

وضعیت خطرناک آلودگی در آب‌های شمال

نفت، بلای جان دریای مازندران

منابع هیدروکربنی فراوان، رواج کشتیرانی و پس مانده‌های صنعتی خزر را تهدید می‌کند.

زبان‌های شدیدی برای این دریاچه به همراه داشته است. هم‌اکنون نیز کاهش ذخایر ماهیان استروژنی و تعداد فوک‌های دریایی، زنگ خطر را برای بسیاری از مسؤولان به صدا در آورده است.

چندی پیش یکی از مسؤولان سازمان کشتیرانی و بنادر ایران در مصاحبه با شبکه Press TV اعلام کرد، آلودگی‌های نفتی این دریا به حدی است که بعد از وقوع یک طوفان، برخی از سواحل بندر انزلی در این کشور از آلودگی‌های سیاه رنگ و قیر مانند پوشیده می‌شوند. با وجود آن که حفظ محیط زیست دریا از جمله تعهدات بلندمدت کشورهای حاشیه‌نشین است، اما به نظر نمی‌رسد با وجود تلاش‌های اقتصادی وسیع کشورهای منطقه برای استفاده از منابع انرژی

دریای خزر، در کوتاه‌مدت بتوان آینده روشنی برای مسایل زیست محیطی این دریا متصور بود.

چندی قبل، وزیر حمل و نقل قزاقستان اعلام کرد که این کشور قصد دارد در پنج سال آینده، با سرمایه‌گذاری ۸۶۰ میلیون دلاری، به توسعه



منبع مهم، موجب آلودگی آن می‌شوند: رودخانه‌هایی که به همراه خود آلودگی‌ها را وارد دریاچه می‌کنند، صنایع تولید و استخراج نفت و در نهایت، افزایش عبور و مرور کشتی‌های تجاری. رودخانه ولکای روسیه با عبور از ۱۱ شهر این کشور و با حمل فاضلاب خطرناک

شرکت‌های صنعتی و قدیمی به جای مانده از دوران شوروی سابق، بزرگترین آلوده‌کننده این دریا است. پیش از فروپاشی شوروی سابق، این دریا بین ایران و شوروی تقسیم شده بود، اما امروزه آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان نیز به جمع مدعیان پیوسته‌اند. از این جمع، قزاقستان و آذربایجان فعالیت‌های نفتی گسترده‌ای در این دریاچه داشته‌اند و طی ۱۵ سال، استخراج نفت خود را ۷۰ درصد افزایش داده‌اند.

در حال حاضر هر پنج کشور حاشیه این دریا به کشتیرانی در آن می‌پردازند و بزرگترین شرکت نفتکش منطقه مربوط به شرکت ASPAR آذربایجان است. اما سایر کشورها نیز به سرعت در حال افزایش تعداد تانکرهای نفتکش خود در این دریاچه هستند، به طوری که ترکمنستان هم از سال ۲۰۰۱ با دریافت یک تانکر پنج هزار تنی، به ترانزیت نفت بین سواحل این دریا اقدام می‌کنند. ایران و روسیه نسبت به سایر کشورهای ساحلی، ناوگان دریایی کمتری در خزر دارند، اما سال گذشته، رییس شرکت ملی نفتکش ایران خبر داد برای حمل نفت از کشورهای همسایه خزر به بندر نکا، شش فروند کشتی جدید سفارش داده است. بدون شک، آلودگی‌های زیست محیطی،

اقتصادی به بازارهای آمریکای لاتین نیز سرایت کرد. در سانو پائولو، بزرگترین بازار بورس منطقه، شاخص بورس Ibovespa با افتی ۶/۶ درصدی به ۵۳ هزار و ۷۰۹ واحد رسیده است. در آرژانتین نیز بورس بوینس آیرس شاهد کاهش ۶/۲۷ درصدی در شاخص‌های خود بود. اما شوق دور هم از این اوضاع بی‌نصیب نبوده است. بورس توکیو به عنوان نماگر اقتصادی منطقه، با افتی ۳/۸۶ درصدی مواجه شد که از اکتبر سال ۲۰۰۵ تاکنون بی‌سابقه بوده است.

مسکن و درمان

طی هفته اول فوریه، رییس‌جمهور آمریکا برنامه‌ای برای گذر از بحران رکود اقتصادی کشورش ارائه کرد. بر اساس این برنامه، دولت آمریکا ۱۴۰ میلیارد دلار از درآمدهای مالیاتی خود می‌کاهد تا به این وسیله، قدرت شرکت‌های آمریکایی و مردم را برای گذر از رکود موجود افزایش دهد. اما تحلیلگران اقتصادی بر این باورند که برنامه‌های بوش برای برخورد با وضعیت موجود بسیار ناکافی است و نه تنها نتیجه‌ای نخواهد داشت، بلکه حالا دیگر خیلی دیر شده است. با نگاهی به آمار می‌توان به وضوح دید که آمریکا به سرعت در حال حرکت به سوی رکود و کاهش فعالیت‌های اقتصادی است. از نظر فنی، رشد اقتصادی منفی طی دو فصل متوالی در یک کشور نشان دهنده رکود اقتصادی در آن است - وضعیتی که هم‌اکنون می‌توان در آمریکا به خوبی آن را مشاهده کرد. بعد از سخنان جرج بوش در مورد برنامه‌های اصلاحی خود، بازارهای بورس آسیا اندکی قوت یافتند. خود بوش معتقد است برنامه‌های جدیدش می‌تواند یک درصد بر رشد اقتصادی این کشور بیفزاید، اما دیگران این باور را قبول ندارند.

حال این سؤال مطرح است که رکود اقتصادی آمریکا از کجا آغاز شد؟ سال گذشته، بحران مسکن در این کشور کم‌کم نمایان شد، زمانی که مردم این کشور با توجه به درآمدهای پایینشان، قدرت بازپرداخت اقساط وام مسکن خود را نداشتند. کاهش قدرت خرید مردم، باعث افت تقاضا در بازار مسکن آمریکا گردید و در نهایت، صنعت ساخت و ساز آمریکا، به عنوان موتور محرک اقتصادی این کشور، دچار رکود شدیدی شد، به طوری که قیمت مسکن، روند معکوس به خود گرفت و در برخی از شهرهای بزرگ نیز با کاهش مواجه شد. با توجه به ارتباط صنعت ساخت و ساز و مسکن با سایر بخش‌های اقتصادی آمریکا، رکود اقتصادی کم‌کم به کل اقتصاد سرایت نمود. در حال حاضر، تجار، تحلیلگران، سران کشورها و اقتصاددانان منتظرند ببینند آیا برنامه‌های جدید اقتصادی کابینه بوش می‌تواند تأثیری بر رکود اقتصادی این کشور داشته باشد یا خیر؟ باید نشست و منتظر ماند. ■